

مقایسه گفتمان هسته‌ای در سیاست خارجی دولت نهم و دهم با گفتمان انقلاب اسلامی

مهدی سلطانی گرد فرامرزی

دانشجوی دکتری گروه اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

اکبر اشرفی^۱

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۷/۱/۲۹ - تاریخ تصویب ۹۷/۴/۱۶)

چکیده

این مقاله به بررسی گفتمان هسته‌ای در سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد و مقایسه آن با گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازد. محقق با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف به ارائه مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و نحوه هژمونیک شدن آن می‌پردازد، سپس نسبت آن را با گفتمان انقلاب اسلامی متأثر از مواضع آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی بررسی می‌کند. در طول این سال‌ها، دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد، گفتمان هسته‌ای را با دال مرکزی حق مسلم ملت ایران و با دال‌های پیرامونی همچون فناوری بومی، مقاومت، پیشرفت اقتصادی، عدالت و استقلال مفصل‌بندی کرد. حاصل این گفتمان پیشرفت‌های سریع فناوری هسته‌ای در کشور و البته در کنار آن تحریم‌های گسترده بین‌المللی و یک جانبه بود. اگر چه فشار تحریم‌ها باعث شد تا گفتمان هسته‌ای جدیدی در کشور شکل گیرد، اما بدون شک گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد نقش مؤثری در پیشبرد سیاست‌های کلان نظام در دهه نود داشت.

در حالی که برخی تحلیل‌گران و یا جریان‌های سیاسی تلاش کرده‌اند تا گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد را یک گفتمان مستقل از گفتمان انقلاب و در واقع یک گفتمان افراطی و غیرعقلانی معرفی کنند، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گفتمان انقلاب اسلامی متأثر از مواضع رهبر انقلاب اسلامی و سیاست‌های کلان نظام همسو بوده است.

واژگان کلیدی: گفتمان هسته‌ای، انقلاب اسلامی ایران، استقلال، احمدی‌نژاد، آیت‌الله خامنه‌ای.

Email: akbarashrafi552@gmail.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۷، صص. ۱۰۳-۱۳۱.

مقدمه

انقلابی که در بهمن ۱۳۵۷ رخ داد بر تمامی عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیر گذاشت. گفتمان انقلاب اسلامی ساختارهای سیاسی موجود را به هم ریخت و نظم بین‌المللی حاکم بر جهان را به چالش طلبید. سیاست خارجی ایران نیز متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی دستخوش تغییرات اساسی گردید. ایران با شعار حمایت از مستضعفان، هژمونی قدرت برتر جهان را به چالش طلبید و پایه‌گذار جنبش‌های ضدامپریالیستی و ضد آمریکایی در جهان، به ویژه خاورمیانه گردید.

از اوایل دهه هشتاد شمسی سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در کانون توجه آمریکا و دیگر قدرت‌های برتر جهانی قرار گرفت. اجماع این قدرت‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران باعث شد تا در طول سال‌های گذشته، سیاست خارجی کشور تا حدود زیادی منعطف به موضوع هسته‌ای شود. به لحاظ تبارشناسی گفتمانی، گفتمان هسته‌ای ایران در این سال‌ها در برابر گفتمان رقیبی قرار داشت که در فضای بین‌المللی شکل گرفته و دال مرکزی آن تهدید امنیت بین‌الملل بود. مفصل‌بندی این گفتمان را دال‌های متعددی همچون رژیم‌های بین‌المللی منع گسترش تسلیحات اتمی، تروریسم، افراط‌گرایی و حقوق بشر تشکیل می‌داد. دال مرکزی ادبیات هسته‌ای مخالفان ایران در عرصه بین‌المللی بحث امنیت بین‌الملل و نقش ایران در به هم زدن آن، مبتنی بر معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی بود.

در طول این سال‌ها، دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد گفتمان هسته‌ای را با دال مرکزی حق مسلم ملت ایران و با دال‌های پیرامونی همچون فناوری بومی، مقاومت، پیشرفت اقتصادی، عدالت و استقلال مفصل‌بندی کرد. حاصل این گفتمان پیشرفت‌های سریع فناوری هسته‌ای در کشور و البته در کنار آن تحریم‌های گسترده بین‌المللی و یک جانبه بود. اگر چه فشار تحریم‌ها باعث شد تا گفتمان هسته‌ای جدیدی در کشور شکل گیرد، اما

بدون شک گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد نقش مؤثری در پیشبرد سیاست‌های کلان نظام در دهه نود داشت.

در حالی که برخی تحلیل‌گران و یا جریان‌های سیاسی تلاش کرده‌اند تا گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد را یک گفتمان مستقل از گفتمان انقلاب و در واقع یک گفتمان افراطی و غیرعقلانی معرفی کنند یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد منطبق با گفتمان انقلاب اسلامی متأثر از مواضع رهبر انقلاب اسلامی و سیاست‌های کلان نظام بوده است.

در واقع این تحقیق تلاش می‌کند تا با نقد نگاه تک‌محورانه به موضوع هسته‌ای، نشان دهد گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا در برهه‌ای از زمان پیش برنده گفتمان اصلی انقلاب اسلامی بوده است و در مجموع گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد را باید در استمرار گفتمان انقلاب اسلامی مطالعه و بررسی کرد. تحقیق در سه گفتار ارائه خواهد شد. در گفتار اول مبانی نظری شامل پیشینه تحقیق و گفتمان لاکلا و موف بررسی خواهد شد. در گفتار دوم گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد شامل مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت نهم و دهم و عوامل هژمونیک‌ساز این گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً در گفتار سوم نسبت گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گفتمان انقلاب اسلامی تبیین و نتیجه‌گیری خواهد شد.

۱. مبانی نظری

الف. پیشینه تحقیق

موضوع هسته‌ای ایران تاکنون با رهیافت‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. غالب این رهیافت‌ها اثبات‌گرایانه و در قالب نظریه‌های رئالیستی بوده و نگاه گفتمانی به موضوع هسته‌ای ایران نوباست. رئالیست‌ها مجموعه‌ای از نگرانی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را عامل حرکت دولت‌ها به سمت فناوری اتمی می‌دانند. در این میان نگرانی‌های نظامی برای دولت‌هایی که وابستگی به یکی از ابرقدرت‌ها ندارند بیشتر است (Epstein,

(16-28: 1977). در واقع، رئالیست‌ها احساس امنیت را بزرگترین انگیزه دولت‌ها برای دستیابی یا حرکت به سوی فناوری اتمی می‌دانند. این موضوع ارتباط زیادی با محیط ژئواستراتژیک و رقبای آن دولت دارد (Paul, 2000: 330). دستیابی به سلاح اتمی می‌تواند از دید واقع‌گرایان تأثیر مستقیم روی امنیت ملی و بین‌المللی یک کشور داشته باشد (Karp, 1991). از دید واقع‌گرایان سلاح هسته‌ای همچنین ابزار مهم دولت‌ها در چانه زنی برای اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع دولت‌ها محسوب می‌شود (Holsti, 1995: 215). قدرت هسته‌ای، یک منبع قدرت فوق‌العاده محسوب می‌شود و در جهانی که فاقد حکومت و قدرت مرکزی است و در واقع نوعی آنارشی بر آن حاکم است می‌تواند انگیزه مهمی برای دولت‌ها باشد تا در جستجوی این فناوری باشند (Art & Waltz, 1983). برخی از واقع‌گرایان حتی با توجه به توازن وحشت حاصل از سلاح‌های اتمی، از گسترش این سلاح‌ها حمایت می‌کنند (Waltz, 1981). اگر چه برخی نیز با اشاره به نقش مخرب سلاح‌های اتمی در امنیت بین‌الملل و با اشاره به نقش مؤسسات نظامی و سیاستمداران در اهداف اتمی دولت‌ها خواستار مقابله جهانی با گسترش این سلاح‌ها هستند (Sagan, 1997: 63-64).

در خصوص مسئله هسته‌ای ایران، واقع‌گرایان با محور قرار دادن قدرت و با در نظر گرفتن مبانی عینی و استراتژیک محیط عملیاتی و پاسخ عقلانی دولت‌ها به این محیط عموماً با پیش فرض نظامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مورد تحلیل قرار داده‌اند. از منظر رئالیست‌ها فعالیت‌های هسته‌ای ایران تلاشی برای ایجاد بازدارندگی در محیط ناامن خاورمیانه و پاسخی از سوی ایران به تهدیدهای امنیتی بوده است (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۵: ۱۳)؛ علاوه بر این، دیدگاه‌های واقع‌گرا، انگیزه‌های دیگری همچون افزایش قدرت استراتژیک، افزایش توان منطقه‌ای، پرستیژ ملی و قدرت‌طلبی ایدئولوژیک را از دیگر علل فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر می‌شمرد (Cordsman, 2009).

لیبرال‌ها هم در رویکردی متفاوت با اولویت دادن به مسائل اقتصادی و رفاهی، وجوه نظامی فعالیت هسته‌ای ایران را کم رنگ کرده و آن را سیاستی عقلانی و معطوف به هدف‌های توسعه‌ای و رفاهی ارزیابی می‌کنند؛ لذا نیازهایی مانند نیازهای پزشکی، دارویی، کشاورزی، جایگزینی سوخت‌های فسیلی، تولید انرژی ارزان و پیشرفت‌های تکنولوژیک علل فعالیت‌های هسته‌ای ایران برشمرده می‌شود (Khawas, 2005, 20-41).

نگاه دیگر به فعالیت‌های هسته‌ای ایران رویکرد سازه‌انگاران است که به عنوان رویکردی معنا محور به جای تأکید بر اهداف نظامی یا غیرنظامی، برنامه هسته‌ای ایران را از منظر هویت و ارزش مورد مطالعه قرار می‌دهد. سازه‌انگاران با تأکید بر ارزش‌های ملی، اسلامی و انقلابی‌انگیزه‌هایی همچون استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی، ایستادگی و مقاومت، غرور ملی و پرستیژ را از علل فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر می‌شمرند (Moshirzadeh, 2007, 521-543). در این زمینه باید علاوه بر مشیرزاده به آثار جلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی عطایی (۱۳۹۵) نیز اشاره کرد که به بررسی گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و گفتمان هسته‌ای دولت روحانی پرداخته‌اند. در این تحقیق، البته سیاست هسته‌ای متأثر از مواضع دولت معرفی شده و جایگاهی برای گفتمان کلی‌تر به نام گفتمان انقلاب اسلامی در نظر گرفته نشده است، شکافی که این تحقیق تلاش کرده آن را پر کند.

ب. نظریه گفتمان لاکلا و موف

نظریه گفتمان لاکلا و موف با تلفیق سنت نظری ساخت‌گرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسور در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی در سال ۱۹۸۵ منعکس شده است. این دو دانشمند از طریف بازخوانی و ساختار شکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران نظریه گفتمان خود را شکل داده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۰). از دید این دو دانشمند سیاست و پدیده‌های اجتماعی را می‌توان به مثابه ساخت‌هایی گفتمانی فهم کرد؛ لذا هر عملی را با توجه به گفتمان حاکم بر آن باید شناخت و فهم کرد. در واقع این زبان است که به پدیده‌ها شکل و معنا می‌دهد.

از نظر لاکلا و موف خلق معنا به مثابه یک فرایند اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. در نظریه گفتمان تثبیت معنا به واسطه مفصل‌بندی بین مفاهیم یا دال‌ها انجام می‌شود. "هر یک از مفاهیم و دال‌ها در گفتمان‌های مختلف مدلول، معنا و هویت متفاوتی می‌یابند که در رابطه و همنشینی با سایر دال‌ها و مفاهیم قابل فهم و درک است چرا که معنا هویتی قراردادی دارد و هویت خود را در بستر گفتمان‌ها به مثابه نظام معنایی خاص کسب می‌کند در حقیقت معنا و هویت حاصل رابطه بین دال و مدلول است اما هیچ رابطه ذاتی و پیشینی بین این دو وجود ندارد" (تاجیک، ۱۳۸۲).

لاکلا و موف نیز همانند فوکو بین قدرت و حقیقت یا بین سیاست و حقیقت ارتباطی مستقیم برقرار کرده و معتقدند به طور کلی بازتولید معنا و تغییر نحوه انتساب معنا اعمالی سیاسی‌اند. البته تعریف سیاست و قدرت تعریف کلیشه‌ای آن و محدود کردن آن به قدرت فرد و دولت نیست بلکه به عکس، مفهوم گسترده‌ای است که به رفتاری اشاره دارد که طی آن امر اجتماعی به گونه‌ای ساخته می‌شود که سایر شیوه‌ها را طرد می‌کند. لذا قدرت و سیاست یک امر مولد اجتماعی هستند و صرفاً بازدارنده و سرکوبگر نیستند. از این منظر کنش‌های ما مفصل‌بندی‌هایی تصادفی‌اند. لذا گفتمان‌ها فرایند تصادف هستند البته در نظریه گفتمان به آن دسته از گفتمان‌هایی که چنان تثبیت شده‌اند که تصادفی بودنشان فراموش شده، گفتمان‌های عینی گفته می‌شود (Laclau, 1990: 34). لاکلا و موف مدعی‌اند که جامعه ناممکن است یعنی وجود ندارد و منظور آنها این است که جامعه به منزله یک هستی عینی همواره تکمیل نشده و ناتمام است. لذا این دو، مفهوم گفتمان را جایگزین مفهوم ساختار کرده‌اند. به این معنا که ساختار همیشه مترادف ثبات است اما گفتمان می‌تواند تغییر را توجیه کند (Mouffe & Laclau, 1985: 111).

محورهای عمده ساختار و روش نظریه اجتماعی و سیاسی گفتمان لاکلا را می‌توان در چهار محور شناسایی فضای تخاصم و غیریت‌سازی میان گفتمان‌ها، زمان‌مند و مکان‌مند

بودن (تبارشناسی) گفتمان‌ها، منازعات معنایی گفتمان‌ها و داده‌های متنی خلاصه کرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۵).

با مطالعه نظریه لاکلا و موف می‌توان چهار عامل را برای موفقیت یک گفتمان در کسب موقعیت هژمونیک بر شمرد (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۴).

۱- عاملان سیاسی: عامل سیاسی کنشگر فردی یا اجتماعی است که از وضعیت جاشدگی استفاده کرده و دست به کنش و عمل می‌زند و این اعمال و کنش‌های او در تغییرات گفتمانی اثرگذار است. به نظر لاکلا و موف ظهور و غلبه گفتمان‌ها متأثر از نقش‌آفرینی کنشگران سیاسی است که رهبری نزاع سیاسی را بر عهده دارند (نظری، ۱۳۹۲: ۷۶).

۲- دسترسی: قابلیت دسترسی به این معناست که یک گفتمان در شرایط آشفتگی و بی‌نظمی بتواند خود را به عنوان ارمغان‌آور نظم جدید در دسترس مردم قرار دهد. به نظر لاکلا، قابلیت دسترسی به این دلیل مهم است که در شرایط بی‌نظمی نیاز به نظم مهم است و محتوای این نظم دغدغه ثانویه به شمار می‌رود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷). در دسترس قرار گرفتن گفتمان نیازمند عوامل سیاسی، شبکه تولید و توزیع گفتمان و منابع زبانی و غیرزبانی است (قجری، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

۳- اعتبار: قابلیت اعتبار به سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه اشاره دارد. به این معنا قابلیت اعتبار یعنی صورت‌بندی یک گفتمان باید منطبق بر خواست‌ها، ذهنیت‌ها و آرزوهای اکثریت جامعه بوده و از این نظر برای آنها قابل فهم و درک باشد (قجری، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

۴- برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی: گفتمان‌ها به واسطه فرایندهای برجسته‌سازی سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کرده و با حاشیه راندن کاستی‌هایشان، خلاها و ضعف‌هایشان را بپوشانند، همچنین در فرایندی وارونه نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن‌ها را برجسته سازند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

۲. گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا

فشار علیه برنامه هسته‌ای ایران در دهه هشتاد با قرار گرفتن نام ایران در محور شرارت آمریکا اوج گرفت. در این برهه دستگاه رسانه‌ای جمهوری اسلامی در خدمت اهداف حاکمیتی قرار گرفت و ادبیات هسته‌ای برای مقابله با فشارهای بین‌المللی به طور خاص وارد ادبیات سیاسی و رسانه‌ای کشور شد. دال مرکزی این گفتمان حق مسلم ایران بود که سایر توجیهات در خصوص علت حرکت ایران به سمت فناوری هسته‌ای ذیل این دال مرکزی قرار می‌گرفت. در این فصل مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای در دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد و عوامل هژمونیک‌ساز این گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا

گفتمانی که احمدی‌نژاد و طیف اصول‌گرا در دهه هشتاد برای پیگیری سیاست هسته‌ای خود در پیش گرفت مبتنی بر محورهای مختلفی بود که دال مرکزی آن را حق مسلم ملت ایران تشکیل می‌داد. سایر دال‌های این مفصل‌بندی، استقلال، مقاومت، منزلت، توسعه، فناوری بومی، اهداف صلح‌آمیز و عدالت بودند.



دال مرکزی؛ انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران

دال مرکزی گفتمان هسته‌ای در دهه هشتاد شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست" بود. این گفتمان در زمان اوج گیری برنامه هسته‌ای ایران در دهه ۸۰ شمسی بارها و بارها از سوی دولتمردان به عنوان توجیهی برای ادامه برنامه هسته‌ای مطرح گردید. در این برهه این سوال مطرح می‌شد که چرا باید کشورهای هم‌چون هند، پاکستان یا کره شمالی از سلاح اتمی برخوردار باشند و اقدام تنبیهی علیه آنها انجام نشود، اما ایران که به دنبال فناوری هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز است از این حق برخوردار نباشد. علاوه بر این دولتمردان ایران مدعی بودند که بر اساس معاهده ان پی تی این حق برای تمام کشورها به رسمیت شناخته شده که فناوری هسته‌ای را برای مصارف صلح‌آمیز به دست آورند.

آنان می‌دانند که قادر نیستند هیچ اقدام قابل توجه و اثرگذاری را علیه منافع ملت ایران انجام دهند و می‌خواهند با فشار سیاسی ما را وادار به عقب‌نشینی کنند. دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان خادم ملت، خود را موظف می‌داند با پشتیبانی مردم شریف و شجاع، از حقوق آنان قاطعانه دفاع کند (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۱۱/۱۶).

انرژی هسته‌ای عامل استقلال

استقلال و عدم وابستگی از دیگر دال‌های مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد است. دولتمردان اصول‌گرا با بیان ضرورت‌های استفاده از انرژی اتمی به عنوان منبع جدید انرژی و جایگزین سوخت‌های فسیلی و تمام شونده تأکید می‌کردند فناوری اتمی ایران می‌تواند مانع از وابستگی ایران به دارندگان فناوری اتمی در آینده شود. اگر اجازه دهیم ما را از این حق محروم کنند در آینده نه چندان دور باید انگشت‌پشیمانی و حسرت به دندان گزیده و دست‌نیاز به سوی قدرتمندان زورگو دراز کنیم. در این صورت پاسخ ما برای کوتاهی‌های احتمالی در برابر فرزندان برومند ملت در آینده چه خواهد بود؟ (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۱۱/۱۶).

انرژی هسته‌ای حاصل مقاومت و ظلم ستیزی

مقاومت در برابر تبعیض و ظلم نظام سلطه از دیگر دال‌های گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گراست. این گفتمان با اوج گرفتن فشارها علیه برنامه هسته‌ای ایران در دهه هشتاد شمسی به عنوان یکی از گفتمان‌های اساسی برای پیگیری برنامه هسته‌ای مطرح شد. دولتمردان ایران فناوری هسته‌ای را به عنوان حق مسلم ایران معرفی کرده و راه دستیابی به آن را مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های دول غربی معرفی کردند.

ملت ایران همیشه ملتی آرامش‌خواه، صلح دوست و صلح طلب بوده و هیچ‌گاه اهل زورگویی و تجاوز نبوده است اما در مقابل زورگویی و تجاوز با اقتدار و شجاعت ایستاده است. ملت ایران عزت، شرف، استقلال و پیشرفت خود را با هیچ چیز مبادله نمی‌کند و حاضر نیست که ذره‌ای از حقوق خود بگذرد... دسترسی به انرژی هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از آن یک نعمت خدادادی و حق تمامی ملت‌ها از جمله ملت ایران است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۴).

انرژی هسته‌ای و افزایش منزلت

در دهه هشتاد و همزمان با فشارهای قدرت‌های اتمی بر ایران برای دست کشیدن از برنامه اتمی، ادبیات دولت اصول‌گرا منعطف به بحث عزت، عظمت و منزلت ایران شد. دولتمردان اصول‌گرا برنامه اتمی ایران را عامل استقلال، اقتدار و عزت ملت ایران معرفی کردند. ادبیات احمدی‌نژاد در برابر غربی‌ها اگر چه جسورانه و گاه گستاخانه بود، اما بخش زیادی از مردم ایران را که از قلدری‌های غرب به ستوه آمده بودند اقناع می‌کرد.

فناوری تولید آب سنگین گام دیگری در مسیر تعالی و توفیق ملت ایران است. این فناوری در زمینه پزشکی و کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوانان ما عزم خود را برای فتح قله‌های بلند پیشرفت و فناوری جزم کرده‌اند. آنها می‌خواهند به سمت کمال و پیشرفت قدم بردارند و مطمئناً هیچ‌کسی نمی‌تواند ملت ایران را از مسیری که انتخاب کرده دور کند (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۴).

انرژی هسته‌ای عامل توسعه و پیشرفت

دولتمردان اصول‌گرا در دهه هشتاد سیاست هسته‌ای را عامل توسعه و پیشرفت کشور معرفی می‌کردند. آنها در این برهه که زیر فشار تبلیغات بین‌المللی و به ویژه آمریکا مبنی بر تسلیحاتی بودن برنامه اتمی ایران بودند تلاش می‌کردند تا فناوری اتمی را یکی از چرخه‌های اقتصادی کشور معرفی کنند و جایگاه انرژی اتمی در توسعه اقتصادی کشور را پررنگ کنند.

وسعت کاربرد این دانش در صنعت، کشاورزی، پزشکی، محیط زیست و نیرو به گونه‌ای است که دستیابی به اهداف بلند اقتصادی و اجتماعی کشور بدون آن امکان‌پذیر نیست (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۱۱/۱۶).

انرژی هسته‌ای فناوری بومی و ملی

فناوری بومی و ملی مبنی بر ملی‌گرایی از دیگر دال‌های گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گراست. یکی از عواملی که دولت اصول‌گرا در دهه هشتاد برای پیگیری برنامه اتمی خود تبلیغ می‌کرد بومی‌سازی فناوری اتمی بود. دولتمردان اصول‌گرا به این موضوع اشاره می‌کردند که ایران برغم تحریم‌های اقتصادی موفق شده فناوری غنی‌سازی اورانیوم را به داخل کشور وارد کند و از مرحله استخراج سنگ اورانیوم تا مرحله غنی‌سازی و تبدیل به سوخت اتمی را در داخل کشور انجام دهد.

این دستاورد بزرگ تاریخی (غنی‌سازی اورانیوم)، حاصل رنج و مجاهدت و مقاومت و پایداری ملت بزرگ ایران است و این شروعی بر پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگتر و بزرگتر است. ملت ما به ویژه جوانان در سایه اتکا به خدا، خودباوری و اراده خود توانستند به این فناوری بسیار مهم و ارزشمند دسترسی پیدا کنند (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۱/۲۲).

انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز

اگر چه فناوری سوخت اتمی می‌تواند در تولید سلاح‌های اتمی به کار گرفته شود و از این جهت اقتدار نظامی کشور را افزایش دهد، اما دولتمردان اصول‌گرا هیچ‌گاه در گفتمان

هسته‌ای خود به نقش این فناوری در افزایش اقتدار و امنیت کشور اشاره نکردند. بر عکس تأکید دولت در این دوره همواره بر اهداف صلح‌آمیز استفاده از انرژی هسته‌ای و همکاری مؤثر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به منظور اثبات ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای کشور بود. دولتمردان اصول‌گرا دائماً عنوان می‌کردند که سلاح هسته‌ای در دکترین دفاعی و امنیتی کشور جایگاهی ندارد.

در دکترین دفاعی ایران، سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی ندارد. ملت ایران، همیشه ملتی آرامش‌خواه، صلح‌دوست و صلح‌طلب بوده و هیچ‌گاه اهل زورگویی و تجاوز نبوده است اما در مقابل زورگویی و تجاوز با اقتدار و شجاعت ایستاده است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۴).

انرژی هسته‌ای و عدالت جهانی

در کنار شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران دولتمردان اصول‌گرا شعار انرژی هسته‌ای حق همه ملت‌ها را مطرح می‌کردند. ایران به عنوان عضو فعال جنبش غیرمتعهددها موفق شد با این گفتمان بیانیه‌های متعدد غیرمتعهددها را به نفع خود داشته باشد. در واقع برنامه هسته‌ای ایران محملی برای فشار دول جهان سوم بر دارندگان سلاح‌های اتمی برای خروج از انحصار هسته‌ای شده بود.

ما پیشرفت و تعالی و رشد علمی در تمام زمینه‌ها را حق همه ملت‌ها می‌دانیم. برخورداری از همه علوم و فنون و به خصوص فناوری صلح‌آمیز تولید سوخت هسته‌ای متعلق به همه کشورها و ملت‌هاست و نمی‌توان با محدود کردن آن در دست عده‌ای خاص ضمن محروم کردن اغلب ملت‌ها و بهره‌برداری‌های عظیم انحصاری اقتصادی از آن به عنوان ابزار سلطه نیز سود برد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴).

ب. عوامل هژمونیک ساز گفتمان هسته‌ای در دولت اصول‌گرا

هژمونی یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه گفتمان برای توضیح کشمکش‌های گفتمان در عرصه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۵: ۱۷۷). به کارگیری مفهوم گفتمان برای توصیف کنش سیاسی به این معناست که منظومه کنش‌های

جاری در صحنه سیاسی چگونه درصدد ایجاد فضای ارتباط مشترکی است که صحنه را همچنان در اختیار بازیگران فعلی نگاه دارد (کاشی، ۱۳۷۹: ۵۰).

در این بخش با در نظر گرفتن چهار عنصر عاملان سیاسی، اعتبار، قابلیت دسترسی و فرایند طرد و برجسته‌سازی چگونگی هژمونیک شدن گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد بررسی می‌شود.

عاملان سیاسی

در بررسی عوامل سیاسی که منجر به هژمونیک شدن گفتمان هسته‌ای در دولت اصول‌گرا شد بیش از همه باید به نقش رهبر انقلاب اسلامی اشاره کرد. آیت‌الله خامنه‌ای برخورد تهاجمی با طرف‌های هسته‌ای را لازمه پیشرفت کشور می‌دانست و از سیاست‌های دولت در شرایطی که قدرت‌های هسته‌ای حاضر به دادن امتیاز به ایران نبودند حمایت می‌کرد. وی در سال ۱۳۸۴ پس از یک دوره تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و در پی پیمان‌شکنی دولت‌های اروپایی دولت خاتمی را موظف به از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای کرد.

بنده گفتم که بایستی این روند عقب‌نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب‌نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۸۶).

پس از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد نیز آیت‌الله خامنه‌ای مسأله هسته‌ای را خواست عظیم ملی و حق طبیعی ملت ایران معرفی کرد و دستگاه سیاست خارجی را موظف کرد این خواست عظیم ملی را دنبال کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳)؛ در چنین حالی، بدون تردید مهمترین عامل سیاسی که گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد را تقویت می‌کرد و به آن حالت هژمونیک می‌داد رهبر انقلاب بود.

پس از آیت‌الله خامنه‌ای، محمود احمدی‌نژاد مهمترین و تأثیرگذارترین عامل سیاسی برای هژمونیک شدن گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا بود. رویکرد احمدی‌نژاد در مواجهه با

قدرت‌های هسته‌ای تهاجم‌گرایانه، طلبکارانه، تند و سخت بود. وی موضع قدرت‌های اتمی را زورگویانه و فناوری هسته‌ای را حق مسلم ملت ایران قلمداد کرد و سیاست ایران را مقاومت برای دستیابی به حق مسلم خود اعلام نمود. ادبیات کلامی احمدی‌نژاد اگر تند و تهاجمی و معمولاً خارج از نزاکت‌های معمول سیاستمداران بود اما از آن جا که با غرور و منزلت ایرانیان هماهنگی داشت از جانب مردم پذیرفته می‌شد. وی قطعنامه‌های شورای امنیت را کاغذپاره توصیف کرد و تحریم‌ها را نشان ناکارآمدی سیاست‌های قدرت‌های هسته‌ای برای برخورد با ایران قلمداد نمود (احمدی‌نژاد، ۸۵/۱۲/۲۴). در واقع احمدی‌نژاد با روحیه تهاجمی و سیاست ضربه اول، سیاست خارجی ای را برای ایران مناسب می‌دانست که با ایستادگی بر مواضع اصلی و فرعی دشمن را مجاب به عقب‌نشینی کند و امتیاز بگیرد. (بهستانی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). استفاده احمدی‌نژاد از واژگان حق مسلم ملت ایران، پیشرفت، عدالت و مقاومت از جمله ابزارهای وی برای غلبه دادن هژمونیک گفتمان هسته‌ای دولت بود.

از دیگر شخصیت‌هایی که در هژمونیک‌سازی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا نقش داشتند علی لاریجانی و سعید جلیلی دبیران شورای عالی امنیت ملی کشور بودند. لاریجانی امتیاز به قدرت‌های هسته‌ای بر سر فناوری هسته‌ای را به مثابه گرفتن آب نبات در برابر در غلطان توصیف می‌کرد (لاریجانی، ۸۶/۹/۶). سعید جلیلی نیز که مدت‌ها دبیر شورای عالی امنیت ملی بود با تأکید بر حق هسته‌ای ملت ایران، عدم کرنش در برابر زیاده‌خواهی غرب را عامل پیروزی ملت ایران بر می‌شمرد. مواضع دولت اصول‌گرا همچنین به سبب آن که سیاست رسمی کشور بود از سوی نخبگان سیاسی، مراجع تقلید و ائمه جمعه مورد حمایت قرار گرفته بود.

اعتبار

گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا برای این که بتواند هژمونیک شود باید از اعتبار لازم در بین مردم برخوردار باشد. احمدی‌نژاد با تکیه بر خواست ایرانیان برای رسیدن به عزت،

توسعه و پیشرفت با بهره‌گیری از حس ملی‌گرایانه، روحیه مقاومت و شهادت‌طلبی و حس عدالت‌طلبانه مردم ایران توانست گفتمان هسته‌ای خود را گفتمان ایده‌آل ملت ایران معرفی کند.

پیشرفت‌های هسته‌ای سریع ایران در واقع این نوید را به ایرانیان می‌داد که ایران با قرار گرفتن در شمار قدرت اتمی جهان به زودی به جایگاه برتر جهانی توأم با عزت و عظمت دست خواهد یافت. گفتمان دولت در چنین دوره‌ای با تکیه بر حس منزلت‌طلبی ایرانیان تلاش می‌کرد تا به موقعیت هژمونیک دست یابد. محمود احمدی‌نژاد فروردین ماه ۱۳۸۶ رسماً اعلام کرد که ایران در زمره کشورهای تولیدکننده صنعتی سوخت هسته‌ای قرار گرفته است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱/۲۰).

گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد، همچنین منطبق بر خواست‌های ملی‌گرایانه مردم ایران بود. مقایسه وضعیت کنونی کشور با تاریخ پرافتخار ایران باستان به عنوان یکی از بزرگترین امپراطوری‌های جهان همواره نوعی احساس سرخوردگی و حقارت در بین ایرانیان ایجاد می‌کرد. فناوری اتمی در چنین حالی از سوی دولتمردان اصول‌گرا به عنوان ابزاری مهم برای رسیدن به موقعیت پرافتخار گذشته محسوب می‌شد. در واقع دولت اصول‌گرا، فناوری اتمی را عامل پیشرفت سریع کشور، دستیابی به قدرت بالا در عرصه جهانی و بازیافتن شأن و منزلت و پرستیژ سابق می‌دانستند. دولتمردان چنین می‌گفتند که تحریم‌ها به علت پافشاری ملت بر حق مسلم خود وضع شده و مردم ایران در چنین موقعیتی باید با مقاومت حق خود را استیفا کنند و دولت وظیفه دارد پیگیر خواست مردم باشد (احمدی‌نژاد، ۸۵/۶/۴).

از همین رو بود که دولت اصول‌گرا با مقایسه تلاش کشور برای دستیابی به فناوری هسته‌ای با ماجرای ملی شدن صنعت نفت، نام نهضت ملی هسته‌ای را برای فعالیت‌های خود برگزید و در اقدامی مشابه با نامگذاری ۲۹ اسفند به نام روز ملی شدن صنعت نفت،

روز بیستم فروردین ماه؛ روز تکمیل چرخه تولید سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاهی را روز ملی فناوری هسته‌ای نامید.

دولتمردان اصول‌گرا، فناوری هسته‌ای را عامل رسیدن به توسعه و پیشرفت معرفی کردند. در این دوره چنین تبلیغ می‌شد که انرژی هسته‌ای می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور از جمله تولید انرژی برق، صنعت، بهداشت و کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد و درآمد سرشاری را عاید کشور کند.

دستیابی به فناوری اتمی همچنین منطبق بر گفتمان‌های استقلال، عدالت و مقاومت ایرانیان بود (Moshirzadeh, 2007). دولتمردان اصول‌گرا با اشاره به پایان‌پذیر بودن منابع سوخت فسیلی و معرفی سوخت اتمی به عنوان جایگزین انرژی‌های فسیلی چنین عنوان می‌کردند که عدم تلاش ایران برای دستیابی به انرژی اتمی به مثابه وابستگی ایران در آینده نزدیک خواهد بود؛ به عبارت دیگر فناوری اتمی استقلال اقتصادی ایران در آینده تأمین می‌کرد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱/۲۰).

گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا همچنین منطبق بر حس مقاومت‌جویانه مردم ایران بود. اعتقاد شیعه به مقاومت در برابر ظلم برگرفته از قیام سومین امام خود روحیه مقاومت در برابر ظلم و شهادت‌طلبی را به عاملی برای واکنش در برابر اقدامات زورگویانه تبدیل کرده است. دولتمردان اصول‌گرا با بهره‌گیری از این موضوع و با تأکید بر حق مسلم ملت ایران در بهره‌مندی صلح‌طلبانه از فناوری هسته‌ای و با اشاره به زورگویی قدرت‌های اتمی تلاش می‌کردند تا گفتمان هسته‌ای خود را هژمونیک کنند (احمدی‌نژاد، ۸۵/۶/۴).

نهایتاً عدالت نیز از دیگر مواردی بود که اعتبار گفتمان هسته‌ای احمدی‌نژاد را تأمین می‌کرد و به آن حالتی هژمونیک می‌بخشید. دولتمردان اصول‌گرا، فناوری هسته‌ای به منظور اهداف صلح‌آمیز را بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) حق مسلم ملت ایران معرفی می‌کردند و پافشاری قدرت‌های اتمی برای جلوگیری از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای را اقدامی ظالمانه و زورگویانه که با عدالت جهانی در تعارض بود

معرفی می‌کردند. دولتمردان اصول‌گرا همچنین با اشاره به تبعیض‌هایی که در بحث غنی‌سازی یا حتی دارا بودن سلاح‌های اتمی در جهان حاکم است اقدام علیه ایران را نابرابرانه و تبعیض‌گرایانه معرفی می‌کردند (احمدی نژاد، ۱۳۸۵/۶/۴).

دسترسی

بعد از دوره کوتاه مدت تعلیق، فعالیت‌های هسته‌ای در دولت خاتمی با دستور رهبر انقلاب فعالیت‌های هسته‌ای از سرگرفته شد و سیاست عدم سازش و کرنش در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های غربی در زمره سیاست‌های کلان نظام قرار گرفت. از این رو گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد توانست بدون چالش مخالفان در کشور تبلیغ و توزیع شود. این گفتمان در سخنرانی‌های رهبری و رئیس‌جمهور تبلیغ می‌شد و سازمان صدا و سیما و جراید و مطبوعات کشور نیز موظف به تبلیغ آن بودند. از این گذشته منابع روحانیون، تریبون‌های نماز جمعه، مجامع بسیج و سپاه از دیگر محل‌هایی بودند که گفتمان هسته‌ای را در دسترس می‌گذاشتند.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

دولتمردان اصول‌گرا در دوران دولت احمدی‌نژاد با استفاده از فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی تلاش کردند تا گفتمان خود را هژمونیک کنند. برجسته‌سازی گفتمان هسته‌ای عموماً از طرق ذیل صورت می‌گرفت:

- ۱- با بیان دستاوردها و تأثیرات فناوری اتمی تلاش بر آن می‌شد که سیاست دولت در دستیابی به چرخه سوخت اتمی سیاست توسعه و پیشرفت معرفی گردد. به گونه‌ای که سیاست هسته‌ای می‌تواند کشور را به اوج برساند. در این راستا به نقش فناوری اتمی در توسعه صنعت، کشاورزی، بهداشت و سلامت و تأمین انرژی اشاره می‌شد.
- ۲- با بیان نقش فناوری اتمی در اقتدار کشور، تلاش می‌شد تا به این فناوری وجهی فوق‌العاده در تأمین امنیت و اقتدار نظام داده شود و از این طریق عزت و منزلت کشور در گرو سیاست هسته‌ای دولت معرفی شود.

- ۳- با برجسته‌کردن قدرت ایران در مقاومت تلاش می‌شد تا سیاست تحریم و فشارهای سیاسی در مقابله با ایران ناکارآمد نشان داده شود. دولتمردان اصول‌گرا، معمولاً با اشاره به تاریخ تحریم‌ها علیه ایران اعلام می‌کردند تحریم‌ها از ابتدای انقلاب وجود داشته و کارآیی چندانی در برابر عزم ملت ایران برای دستیابی به فناوری اتمی نخواهد داشت.
- ۴- تأکید بر فناوری بومی و توان متخصصان داخلی در دستیابی به فناوری هسته‌ای از دیگر مواردی بود که گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد آن را برجسته می‌کرد. این موضوع به عنوان یک افتخار و نماد عزت ملی مسحوب می‌شد و هم بیانگر اقتدار ایران در پیگیری اهداف سیاسی هسته‌ای خود بود.
- ۵- برجسته‌نمایی تبعیض‌های جهانی در موضوع هسته‌ای از دیگر مواردی بود که در گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا برای تقویت سیاست هسته‌ای این دولت به کار برده می‌شد.
- ۶- ایران همچنین در این برهه تلاش می‌کرد تا جامعه جهانی را همسو و همراه خود نشان دهد. در این راستا دولتمردان اصول‌گرا بیانیه‌های جنبش عدم تعهد در حمایت از فناوری اتمی، ایران را برجسته می‌کردند و تلاش می‌کردند تا قدرتهای اتمی را تنها مخالفان زورگویی برنامه اتمی ایران نشان دهند.
- ۷- تأکید بر ملی‌سازی فناوری اتمی و قرار دادن آن در ردیف نهضت ملی نفت از دیگر اقداماتی بود که در راستای برجسته‌سازی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا صورت گرفت. دولتمردان اصول‌گرا روز بیستم فروردین ماه را روز ملی فناوری هسته‌ای نامیدند و کوشیدند تا دستاوردهای هسته‌ای را حاصل مقاومت ایران در برابر استعمار غرب و قدرتهای اتمی نشان دهند.
- ۸- برجسته‌کردن موفقیت‌های اتمی از دیگر مواردی بود که با تحریک حس منزلت طلبی ایرانیان گفتمان هسته‌ای را برجسته می‌کرد. دولتمردان اصول‌گرا پس از راه‌اندازی چرخه سوخت هسته‌ای در مقیاس صنعتی اعلام کردند ایران در باشگاه قدرتهای اتمی جهان قرار گرفته است. از این گذشته در طول سال‌های دولت نهم و دهم هر از چندی

موفقیت‌های فناوری اتمی از جمله افزایش سانتریفیوژها و تولید میله‌های سوخت اتمی با تبلیغات گسترده اعلام می‌شد.

۹- تأکید بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دیگر مواردی بود که گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا را تقویت می‌کرد و راه را برای انتقاد و خرده‌گیری از داخل و خارج نزد افکار عمومی می‌بست.

اما دولتمردان اصول‌گرا در این برهه علاوه بر شیوه‌هایی که برای برجسته‌سازی گفتمان خود بهره گرفتند شیوه‌های دیگری را نیز برای به حاشیه راندن گفتمان رقیب خود در عرصه بین‌الملل به کار گرفتند. اهم این شیوه‌ها بدین شرح بود:

۱- تأکید بر پیمان‌شکنی قدرت‌های غربی و آمریکا و بیان این مطلب که غرب قابل اعتماد نیست. در این راستا پیمان‌شکنی قدرت‌های اروپایی در جریان اولین تعلیق برنامه اتمی ایران به طور مرتب برجسته می‌شد.

۲- اشاره تلویحی به خیانت دست‌اندرکاران برنامه اتمی کشور در ماجرای تعلیق فناوری اتمی در دوره خاتمی از دیگر شیوه‌های دولت احمدی‌نژاد بود. احمدی‌نژاد، دولتمردان اصلاح طلب را به سازش و وادادگی در برابر غرب و از بین بردن عزت و احترام و منزلت ایران به علت رغب از قدرت دشمن متهم می‌کرد.

از همین رو آنها با اشاره به پیشرفت‌های هسته‌ای، گفتمان رقیب را عامل عقب‌ماندگی ایران و محروم شدن از حقوق مسلم هسته‌ای ملت معرفی می‌کردند.

۳- برجسته‌سازی این موضوع که سیاست تحریم از سوی آمریکا و غرب از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته و برنامه اتمی ایران تنها بهانه‌ای برای اعمال فشار بیشتر بر ایران است و عقب‌نشینی زنجیره‌ای از عقب‌نشینی‌های بعدی را به دنبال خواهد داشت.

۴- تأکید بر اقتصاد مقاومتی به عنوان راهکار مقابله با تحریم‌ها و فشارهای دشمن به جای سازش و مذاکره و تعامل با کشورهای جهان از دیگر شیوه‌هایی بود که متضمن طرد طرز تفکر اصلاح طلبان برای حل مشکلات اقتصادی می‌شد.

۵- تأکید بر وجهه نظامی و خشن برخوردهای آمریکا با ایران. در این راستا دولتمردان اصول‌گرا با اشاره به ادعای مقامات آمریکا مبنی بر این که همه گزینه‌ها روی میز است تلاش می‌کردند تا طرف‌های رقیب را فاقد منطق و زورگو معرفی کنند و از سوی دیگر با اقداماتی نظیر بازداشت ملوانان انگلیسی قدرت و اعتماد به نفس خود را در عرصه جهانی به نمایش بگذارند.

۶- برجسته‌سازی این مطلب که رهبری مخالف تعلیق برنامه اتمی بوده است، از دیگر شیوه‌های حاشیه‌رانی گفتمان احمدی‌نژاد بود. در این راستا احمدی‌نژاد و طرفداران وی در طیف اصول‌گرا به فشارهای اصلاح‌طلبان به رهبری برای پذیرش تعلیق برنامه اتمی اشاره می‌کردند. یکی از این موارد، نامه جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به آیت‌الله خامنه‌ای بود مبنی بر این که اگر جام زهری باید نوشیده شود وقت آن فرا رسیده است.

۷- اصول‌گرایان، همچنین تلاش می‌کردند تا پنهانکاری ایران در موضوع هسته‌ای را که به مدت هجده سال به طول انجامیده بود پنهان کنند و نهایتاً آن را به علت شرایط جنگی کشور معرفی کنند.

۳. مقایسه نسبت گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گفتمان انقلاب اسلامی

در این قسمت به تطبیق گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازیم. اگر چه گفتمان انقلاب اسلامی اصولاً با توجه به گفتمان امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای و اصول قانون اساسی تبیین می‌شود، اما در این تحقیق با توجه به نقش آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در تبیین گفتمان انقلابی و معاصر بودن موضوع هسته‌ای با دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تلاش می‌شود تا میزان تطبیق سیاست‌های هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گفتمان رهبری به عنوان گفتمان انقلاب اسلامی بررسی شود.

مقایسه گفتمان دولت اصول‌گرا و گفتار هسته‌ای احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور با گفتار هسته‌ای رهبر انقلاب نشان می‌دهد به لحاظ گفتمانی تطابق این دو بسیار زیاد است. تمامی دال‌های مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا یعنی حق مسلم ملت ایران،

مقاومت، استقلال، منزلت، عدالت، فناوری بومی و ملی، اهداف صلح‌آمیز و توسعه و پیشرفت در گفتمان هسته‌ای رهبر انقلاب نیز وجود دارد. در ادامه شواهدی از کلام آیت‌الله خامنه‌ای در تأیید مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای احمدی‌نژاد ذکر خواهد شد.

حق مسلم ملت ایران

در گفتمان هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید بسیاری بر حق ملت ایران و حقوق ملت‌های جهان وجود دارد و دال محوری گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا به وضوح در گفتمان رهبری مشاهده می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای انرژی هسته‌ای را حق مسلم ملت ایران معرفی می‌کند و برای هیچ کس حق صرف‌نظر و اغماض از این حق مسلم قائل نمی‌شود.

ما که از حق مسلم خودمان دست بر نخواهیم داشت، این که واضح است. این حق ملت است و کسی قادر نیست از این حق صرف‌نظر و اغماض کند. مردم این را می‌خواهند و مال آنهاست، کسی اینها را عاریه نداده است تا بتواند از این مردم بگیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹).

انرژی هسته‌ای عامل استقلال

یکی دیگر از دال‌های مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد، دال عدم وابستگی و استقلال است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این دوره، عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای را به معنای شکست استقلال کشور می‌داند که منجر به زنجیره‌ای از فشارها و عقب‌نشینی‌های دیگر می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران، عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای را که خواسته عظیم ملی و حق طبیعی ملت ایران است به معنای شکستن استقلال کشور می‌داند که هزینه بسیار گزافی برای ملت ایران خواهد داشت ... هرگونه عقب‌نشینی در مقطع کنونی زنجیره‌ای تمام نشدنی از فشارها و عقب‌نشینی‌های دیگر را در پی خواهد داشت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳)

فناوری هسته‌ای عامل توسعه و پیشرفت

از دیگر دال‌های مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا توسعه و پیشرفت با فناوری هسته‌ای است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز انرژی هسته‌ای را عامل توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور معرفی می‌کند و علت فشارهای سیاسی بر ایران را نیرومند شدن ایران در پی دستیابی به انرژی هسته‌ای می‌داند. رهبر انقلاب تأکید می‌کند که مقاومت در برابر زیاده‌خواهی دشمن عامل توسعه و پیشرفت ایران خواهد بود.

درباره مسئله هسته‌ای یک جمله عرض بکنم خلاصه حرف دشمن این است که به ملت ایران می‌گوید شما فناوری هسته‌ای نداشته باشید. چرا؟ برای این که فناوری هسته‌ای شما را در عرصه‌های مختلف نیرومند می‌کند شما این فناوری را نداشته باشید تا ضعیف بمانید تا بتوان راحت‌تر به شمار زورگویی کرد ... همه، دنیای پیشرفته دارند می‌روند به سمت سرمایه‌گذاری برای تولید هسته‌ای، آن وقت به ملت ما می‌گویند شما نداشته باشید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱).

انرژی هسته‌ای حاصل مقاومت و ظلم ستیزی

مقاومت در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های استکباری از دیگر دال‌های گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گراست. آیت‌الله خامنه‌ای نیز صرف‌نظر کردن از سیاست هسته‌ای را به مثابه عقب‌گرد ایران در توسعه و پیشرفت معرفی می‌کند و بر لزوم پافشاری ایران بر حق مسلم خود تأکید می‌کند.

انرژی هسته‌ای و فناوری هسته‌ای حق مسلم شما ملت ایران است و هیچ کس حق ندارد از این حق مسلم صرف‌نظر کند و کوتاه بیاید ... امروز اگر شما این حق را به چنگ نیاورید، ده‌ها سال ملت ایران به عقب خواهد رفت و عقب مانده خواهد ماند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱).

انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز

دستیابی به انرژی اتمی برای اهداف صلح‌آمیز از دیگر دال‌های مفصل‌بندی گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گراست. در گفتمان هسته‌ای رهبر انقلاب اسلامی نیز به طور مکرر این موضوع بیان شده است. آیت‌الله خامنه‌ای انرژی هسته‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای را حرام اعلام کرده و آن را بهانه دشمن برای توطئه علیه جمهوری اسلامی بر می‌شمارد. ما دنبال تولید بمب اتم نیستیم چرا که اسلام به ما اجازه نمی‌دهد حتی با دشمنانمان این گونه برخورد کنیم انرژی هسته‌ای فقط بهانه است اگر این بهانه هم نباشد آمریکایی‌ها برای توطئه چینی بر ضد ملت ایران مسایل دیگری همچون حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر را بهانه می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱/۱).

انرژی هسته‌ای عامل منزلت

از دیگر دال‌های گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا حفظ منزلت با فناوری هسته‌ای است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در گفتمان خود، انرژی هسته‌ای و مقاومت برای به دست آوردن این فناوری را عامل عزت و اقتدار و پیشرفت ایران معرفی می‌کند. ملت ایران امروز در جاده‌ی پیشرفت علمی و پیشرفت فناوری افتاده و می‌خواهد دو قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاعوت‌ها، جبران کند. اینها دستپاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملت ایران - که در این نقطه‌ی حساس دنیا قرار گرفته است و به عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده - به این توفیقات دست پیدا کند؛ لذا فشار می‌آورند. اما ملت ایران ایستاده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱).

انرژی هسته‌ای فناوری بومی و ملی

فناوری بومی و ملی از دیگر دال‌های گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گراست. موضوعی که رهبر انقلاب اسلامی نیز بارها بر آن پای فشرده است. آیت‌الله خامنه‌ای عموماً با تأکید بر توانمندی متخصصان داخلی بر دستاوردهای هسته‌ای به عنوان دستاورد علمی ایرانیان تأکید کرده است.

ایران در رشته‌ها و فناوری‌های گوناگون علمی شاهد پیشرفت‌های معجزه‌آسای دانشمندان جوان خود است که دستیابی به دانش و فناوری هسته‌ای آن هم بدون کمک گرفتن از هیچ کشور خارجی نمونه بارز این پیشرفت‌ها به شمار می‌آید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۴/۶).

در مجموع می‌توان گفت: گفتمان هسته‌ای دولت اصول‌گرا کاملاً منطبق با گفتمان هسته‌ای رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان محور گفتمان انقلاب اسلامی است. این گفتمان به صورت اخص در موضوع هسته‌ای و به صورت اعم به عنوان گفتمان دولت اصول‌گرا در دال‌های مختلف مفصل‌بندی خود به ویژه حق مسلم ملت ایران، مقاومت، منزلت، استقلال، استکبارستیزی، فناوری بومی و ملی و توسعه و پیشرفت برگرفته از گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب است.

نتیجه‌گیری

تحولات سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به رغم تباین و تعارض ظاهری، ریشه در گفتمان واحدی به نام گفتمان انقلاب اسلامی دارد. در واقع همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کرده است دولت‌ها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای اصول ثابت انقلاب اسلامی مانند استقلال و استکبارستیزی، عدالت و مردم‌سالاری می‌توانند تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را انتخاب کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴)؛ از همین روست که سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با توجه به مقتضیات زمانی در دهه هشتاد شکل تهاجمی به خود گرفته و دولت احمدی‌نژاد مسئول اجرای سیاست کلان نظام شده است.

گفتمان هسته‌ای به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تحولات سیاسی در دهه هشتاد در خدمت سیاست و اهداف دولتمردان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و با دال مرکزی "حق مسلم" به پیشرفت فناوری هسته‌ای در کشور منجر شده است. موضوعی که باعث شده تا ایران بتواند بر سر لغو تحریم‌ها در برجام نیز امتیازات بیشتری از طرف‌های غربی خود به دست آورد؛ بنابراین، اگر چه فشارهای اقتصادی باعث شد تا گفتمان هسته‌ای در

دهه نود با شکلی بازسازی شده در ایران با دال مرکزی "نرمش قهرمانانه" از سوی رهبر انقلاب و با دال مرکزی چرخ زندگی مردم از سوی دولت روحانی، پای به عرصه بگذارد، اما نمی‌توان گفتمان هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد را فارغ از سیاست کلان نظام متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی تحلیل نمود.

Archive of SID

منابع:

- حسینی زاده، س. (۱۳۸۹). اسلام سیاسی در ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- دهقانی فیروزآبادی، س. و عطایی، م. (۱۳۹۵). **گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلطانی، ع. (۱۳۸۴). **قدرت، گفتمان، زبان**. تهران: نشر نی.
- کاشی، غ. (۱۳۷۹). **جادوی گفتار، ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد**. تهران: مؤسسه فرهنگ آینده پویان.
- نظری، ج. (۱۳۹۲). **کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی**. تهران: جامعه‌شناسان.
- بهستانی، م. (۱۳۹۲). «رابطه نگرش دینی و سیاست خارجی ادراکی: تحلیل رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی‌نژاد». **فصلنامه روابط خارجی**. سال پنجم، شماره سوم، ۲۱۱-۲۴۷.
- تاجیک، م. (۱۳۸۲). «مدرنیسم، پسامدرنیسم و معمای هویت». **فصلنامه گفتمان**. سال سوم، شماره هفتم، ۱-۲.
- سلطانی، ع. (۱۳۸۳). **تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش**. علوم سیاسی. دوره هفتم، شماره ۲۸.
- قجری، ح. (۱۳۸۸). **تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی در انقلاب اسلامی**. پژوهشنامه متین. دوره یازدهم، شماره ۴۵، ۱۰۵-۱۲۶.
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۴). **سخنرانی رئیس‌جمهور در سازمان ملل (ابتکار هسته‌ای)**. در کتاب پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد به اهتمام کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۴/۱۱/۱۶). **بیانیه رئیس‌جمهور خطاب به ملت شریف جمهوری اسلامی ایران**. در کتاب پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد به اهتمام کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۶/۱/۲۰). سخنرانی رئیس‌جمهور در اولین سالروز ملی فناوری هسته‌ای. تهران: برگرفته از کتاب نهضت ملی هسته‌ای تألیف کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۸. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۵/۱/۲۲). سخنان رئیس‌جمهور در خصوص چرخه سوخت هسته‌ای در آستان قدس. در کتاب پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد به اهتمام کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه .
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۵/۶/۴). سخنرانی رئیس‌جمهور در مراسم افتتاحیه مجتمع تولید آب سنگین اراک. غریب آبادی در کتاب نهضت ملی هسته‌ای تألیف کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۸. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۵/۶/۴). سخنرانی رئیس‌جمهور در مراسم افتتاحیه مجتمع تولید آب سنگین اراک. در کتاب پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد به اهتمام کاظم غریب آبادی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه .
- آیت‌الله خامنه‌ای . (۱۳۸۴/۱/۱). دیدار با ده‌ها هزار نفر از زائران و مجاوران حرم رضوی. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- آیت‌الله خامنه‌ای . (۱۳۸۵/۱/۱). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۸۶/۱۰/۱۳). بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۸۱/۳/۱۴). بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله). قابل دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir>
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۸۴/۱۰/۱۹). دیدار اقدار مختلف مردم قم. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۸۴/۱۲/۲۳). دیدار وزیر امور خارجه، معاونین، مشاورین و روسای نمایندگی‌های ایران. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۸۵/۴/۶). دیدار رئیس‌جمهور سنگال. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.

- آیت‌الله خامنه‌ای. (۸۷/۲/۱۱). بیانات در دیدار مردم شیراز. قابل دسترس در سایت خامنه‌ای دات.آی.آر.
- احمدی‌نژاد، م. (۸۵/۱۲/۲۴). احمدی‌نژاد در جمع مردم میبند. قابل دسترس در سایت مهرنیوز.
- لاریجانی، ع. (۱۳۸۶/۹/۶). لاریجانی در پاسخ به دانشجویان اصفهانی: هنوز هم می‌گویم در دوران تعلیق در غلطان دادیم و آب‌نبات گرفتیم. قابل دسترس در سایت فارس نیوز.
- Art, R & Waltz, K. (1983). **he use of force:international politics and foreign policy**. Laham: University Press of America.
- Holsti, K. (1995). **International politics; a framework for analysis**. Newjersey: Englewood cliffs, Prentice hall.
- Karp, R. (1991). **Security with Nuclear Weapons?: Different Perspectives on National Security**. Oxford: Oxford University Press.
- Laclau, E. (1990). **New Reflections on Revolution of our Time**. London: Verso.
- Mouffe, C., & Laclau, E. (1985). **Hegemony and Socilaist Strategy,toward a radical democratic politics**. London: Verso.
- Waltz, K. (1981). **The Spread of Nuclear Weapons: More May be Better**. London: International Institute for Strategic Studies.
- Paul, T. (2000). **Power versus Prudence: Why Nations Forgo Nuclear Weapons**. Montreal: McGill University Press Quoted in: Shamim, C. M. op.cit. p330.
- Epstein, W (1977). "Why states go and don't go nuclear". *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*. Vol.430(1): 16-28.
- Khawas, M. (2005). "Iran,s nuclear controvercy: prospects for a diplomatic solution". *Mediterranean Quarterly*. Vol. 16(4): 41-20.
- Moshirzadeh, H. (2007). "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy". *Security Dialogue*. Vol.38(4). pp. 521-543.
- Sagan, S. (1977). "Why Do States Build Nuclear Weapons? Three Models in Search of a Bomb". *International Security*. Vol.21(3).

- Cordsman, A. (2009). Iran as a nuclear weapons power. available at: www.csis.org.

Archive of SID